



---

درسنامه عربی پایه دوازدهم  
پ

تجربی و ریاضی

---



## الدَّرْسُ الثَّلَاثُ : أُسْلُوبُ إِسْتِثْنَاءٍ

**اسلوب :** به معنی ساختار، شیوه و روش است .

**استثناء :** مصدر باب استفعال به معنی جدا کردن، کنار زدن و خارج کردن است .  
برای تشخیص و تعریف اسلوب استثناء به مثال های زیر توجه کنید :

(۱) نَجَحَ التَّلَامِيذُ فِي الْاِمْتِحَانِ اِلَّا الْمُتَكَاسِلَ

دانش آموزان در امتحان موفق شدند جز فرد تنبل

(۲) خَرَجَ اللَّاعِبُونَ مِنَ الْمَلْعَبِ اِلَّا وَاحِدًا مِنْهُمْ

بازیکنان از ورزشگاه خارج شدند جز یکی از آنها

**در مثال اول :** فرد متکاسل را از بقیه دانش آموزان جدا کردیم.

**در مثال دوم :** همه خارج شدند جز یک نفر، یک نفر را از بقیه جدا کردیم.

**نتیجه :** هرگاه یک شخص یا یک چیز را از گروهی و جمعی جدا و خارج کردیم آن شخص و یا آن چیز را استثناء کرده ایم.

**تعریف استثناء :** خارج کردن یک شخص یا یک چیز از یک حکم کلی ،  
حکم کلی می تواند انجام یک کار باشد یا یک رویداد و اتفاق .

در زبان عربی برای استثناء کردن از کلمه " اِلَّا " استفاده می شود همان طور که  
در زبان فارسی برای استثناء کردن از کلمه " به جز ، به غیر از " استفاده می شود.

## ارکان و اجزاء اسلوب استثناء

در جمله ای که استثناء به کار رفته است سه رکن اصلی وجود دارد :

- ارکان و اجزاء استثناء
- ۱- **مُسْتَثْنِي** : (استثناء شده) اسم بعد از **إِلَّا** که حکم شامل آن نشده و از حکم کلی خارج شده است.
  - ۲- **أداة استثناء** : ابزار و وسیله ای که با آن استثناء می کنیم یعنی "**إِلَّا**"
  - ۳- **مُسْتَثْنِي مِنْهُ** : (استثناء شده از آن) اسم قبل از **إِلَّا** که معمولاً یک اسم کلی است و حکم روی آن انجام گرفته است و مستثنی از آن جدا شده است.
- در مثال زیر به ارکان استثناء دقت کنید :

نَجَحَ التَّلَامِيذُ فِي الْإِمْتِحَانِ إِلَّا الْمُتَكَاسِلِ  
 مستثنی منه      أداة استثناء      مستثنی

رَجَعَ اللَّاعِبُونَ مِنَ الْمَلْعَبِ إِلَّا وَاحِدًا مِنْهُمْ  
 مستثنی منه      أداة استثناء      مستثنی

**نکته ۱:** مستثنیٰ مانند نقش هایی همچون مبتدا، فاعل، نایب فاعل و ... یک نقش محسوب می شود.

اما مستثنیٰ منه نقش نیست و می تواند در جمله نقش هایی چون فاعل، مفعول، نایب فاعل داشته باشد.

**نکته ۲:** گاهی اسلوب استثناء به صورت منفی است و قبل از "إِلَّا" ادات نفی مانند ( لا، ما، لم، لَنْ، لَيْسَ ) آمده است و مستثنیٰ منه هم در جمله محذوف است.

در این صورت می توان جمله را به صورت مثبت و مَوْكَّد ( به صورت تاکید ) ترجمه کرد.

مانند ← ما نَجَحَ فِي الامْتِحَانِ إِلَّا عَلِيٌّ

در جمله قبل از إِلَّا :

(۱) فعل ( ما نَجَحَ ) با " ما " منفی شده است.

(۲) مستثنیٰ منه در جمله حذف شده است ← با دقت در جمله می بینیم که قبل از إِلَّا فقط فعل ( ما نَجَحَ ) آمده است و اسم کلی که " علی " را از آن استثناء و خارج کنیم، وجود ندارد.

بنابراین می توانیم :

(۱) جمله را اگر چه منفی است مثبت ترجمه کنیم.

(۲) در ترجمه "إِلَّا" از لفظ "فقط" استفاده کنیم تا جمله مُؤكَّد (تاکید) شود.

مانند ← ما نَجَحَ فِي الامْتِحَانِ إِلَّا عَلَى ← فقط علی در امتحان موفق شد  
تاکید مثبت

در این صورت با اختصاص دادن موفقیت به علی در امتحان جمله را مُؤكَّد کردیم.

**نتیجه :**

برای مُؤكَّد کردن اسلوب استثناء، در ترجمه "إِلَّا" از لفظ "فقط" استفاده می کنیم.

سؤال؟؟؟

**راه تشخیص حذف مستثنی منه در جمله چگونه است؟**

برای تشخیص حذف مستثنی منه در جمله ، به جمله قبل از "إِلَّا" توجه می کنیم و با دقت در ارکان جمله در می یابیم که ارکان جمله کامل نیست . مثلاً :

در جمله فعلیه ← باید فعل + فاعل + مفعول داشته باشیم

اما جمله فاقد فاعل یا مفعول است

یا در جمله اسمیه ← باید مبتدا + خبر داشته باشیم

در حالی که جمله فاقد خبر می باشد. مانند :

لا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ

فعل و فاعل ضمیر بارز "واو"  
جمله فاقد مفعول است

ما جَاءَ إِلَّا عَلَى

فعل ← بعد از آن فاعل نداریم

## اعراب مستثنیٰ

همانطور که قبلاً اشاره شد مستثنیٰ به عنوان نقش در جمله محسوب می شود پس حرکت خاص خود را دارد ، همان گونه که فاعل ، نائب فاعل ، مبتدا و ... نقش محسوب می شوند و دارای حرکت خاص خود هستند.

(۱) منصوب ( َ ) : معمولاً مستثنیٰ منصوب است مانند :

المتكامل  
مستثنیٰ و منصوب

نَجَحَ التَّلَامِيذُ فِي الامْتِحَانِ إِلَّا  
حرف استثناء

اعراب مستثنیٰ

(۲) اعرابی به غیر از نصب

هر گاه مستثنیٰ منه در جمله محذوف باشد حرکت مستثنیٰ با توجه به حرکت **مستثنیٰ منه** خواهد بود .

یعنی اگر **مستثنیٰ منه فاعل محذوف** باشد حرکت آن به مستثنیٰ داده می شود و مستثنیٰ مرفوع ( ُ ) خواهد بود .

در صورتی که **مستثنیٰ منه مفعول محذوف** باشد حرکت آن به مستثنیٰ داده می شود و مستثنیٰ منصوب ( َ ) خواهد بود ، مانند :

ما جاء إِلَّا عَلِيٌّ

فعل ← و بعد از آن فاعل وجود ندارد

پس حرکت مستثنیٰ ( عَلِيٌّ ) مرفوع خواهد بود.

لا تعبدوا إِلَّا اللَّهَ

فعل ← فاعل ضمیر بارز " واو " ← و جمله فاقد مفعول است

پس حرکت مستثنیٰ ( اللَّهَ ) منصوب خواهد بود.



---

درسنامه عربی پایه دوازدهم  
پ

تجربی و ریاضی

---



## بحث تکمیلی درس ۳ الإعراب التحليل الصرفي

### الإعراب :

همان طور که قبلاً آموختیم الإعراب به معنی تعیین نقش کلمات در جمله است. همان گونه که انسان ها در خانه ، اجتماع و ... هر یک دارای نقش خاصی هستند کلمات هم وقتی در جمله قرار می گیرند دارای نقش می شوند. تاکنون با نقش های متعددی آشنا شده ایم. نقش هایی که باعث می شوند هر کلمه حرف آخر آن چه حرکتی داشته باشد؟

### نقش کلمات بر اساس حرکات آخر آنها

مرفوعات (٢)	منصوبات (١)	مجرورات (٠)
١- مبتدا	١- مفعول	١- مجرور به حرف جر
٢- خبر در صورتی که اسم باشد	٢- خبر افعال ناقصه	٢- مضاف الیه
٣- فاعل	٣- اسم حروف مشبّهة بالفعل	
٤- نائب فاعل	٤- اسم " لا " نفی جنس	
٥- اسم افعال ناقصه	٥- حال	
٦- خبر حروف مشبّهة بالفعل	٦- مستثنی (درس ٣)	
٧- خبر " لا " نفی جنس	٧- مفعول مطلق (درس ٤)	

**نکته مهم ①:** مضاف و موصوف نقش نیستند لذا می توانند هر یک از این نقش ها را داشته باشند و حرکت آنها بر اساس نقش متفاوت باشد .

**نکته مهم ②:** صفت تابع موصوف است ، یعنی هر حرکتی که موصوف داشته باشد صفت هم همان حرکت را می پذیرد .



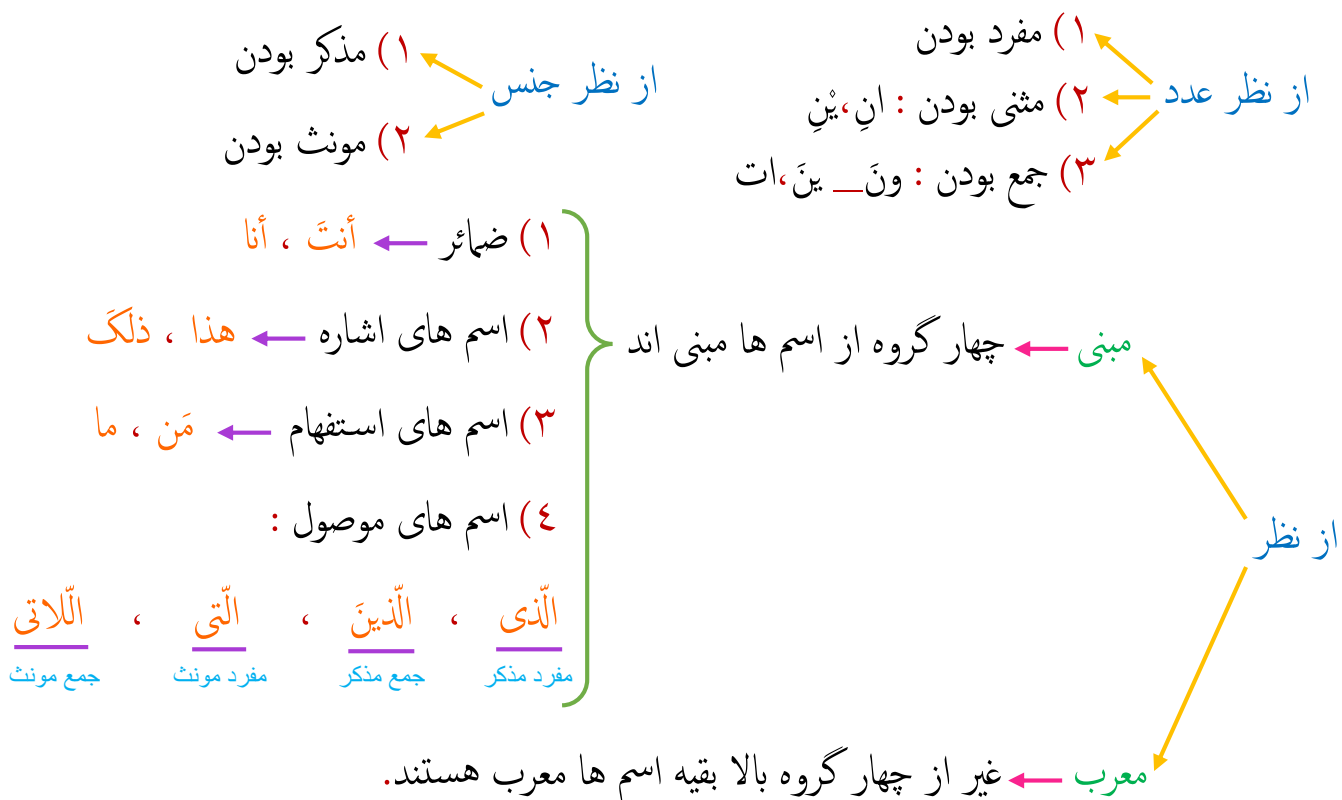
## بحث تحلیل صرفی

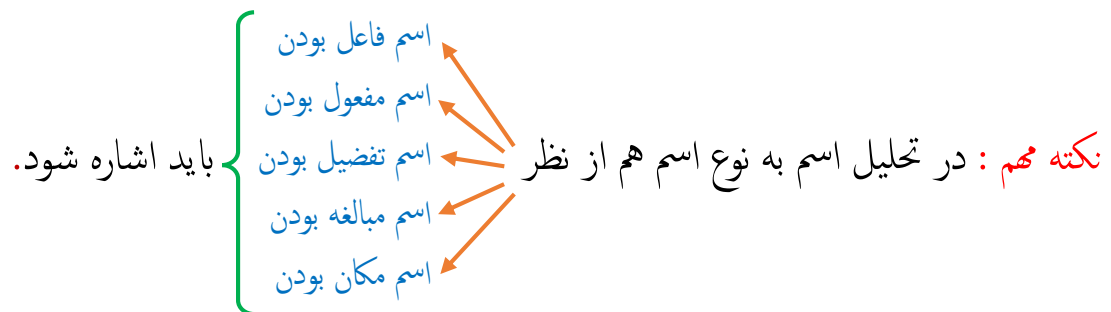
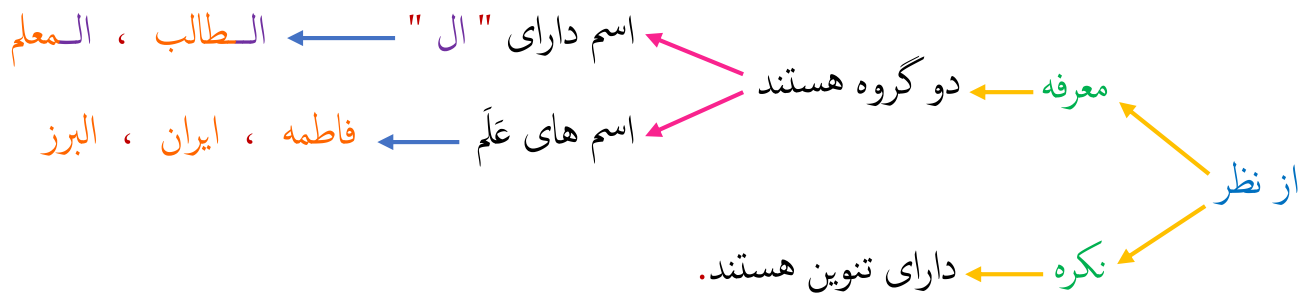
همان طور که انسان ها هر یک دارای ویژگی های خاص خود مانند نام ، نام خانوادگی ، سن ، قد و ... هستند ، کلمات هم (فعل ، اسم ، حرف) هر کدام دارای ویژگی خاص خود هستند. برای تشخیص ویژگی های هر یک از کلمات باید اول مشخص کنیم که هر کلمه آیا اسم است؟ یا فعل است؟ یا حرف؟

بعد از تشخیص اسم و فعل و حرف بودن باید ویژگی های هر یک را مشخص کرد که به این ویژگی ها تحلیل صرفی می گوئیم .

## تحلیل صرفی اسم

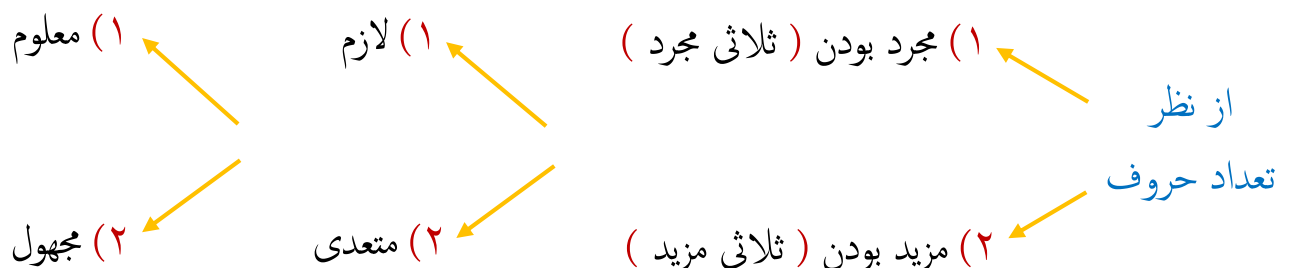
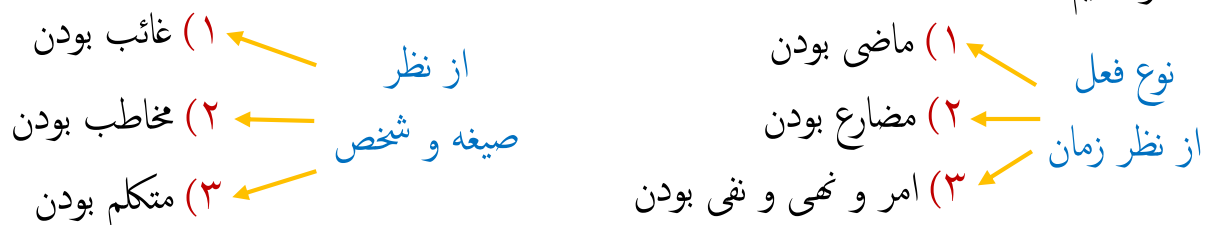
هر ساله با برخی از ویژگی های اسم آشنا شده ایم . در تحلیل صرفی اسم باید به این ویژگی ها اشاره کنیم که عبارتند از :





## تحلیل صرفی فعل

هر ساله با انواع فعل و تقسیم بندی آنها آشنا شده‌ایم در بحث تحلیل صرفی باید به این ویژگی‌ها اشاره کنیم.



## تحلیل صرفی حرف

(۱) همگی مبنی هستند و حرکت آخر آنها تغییر نمی‌کند.

(۲) آیا عامل هستند یا غیر عامل؟

حروف غیر عامل: حروفی هستند که در اسم و فعل بعد از خود هیچ تاثیری ندارند و حرکت آخر آنها را تغییر نمی‌دهند: مثل ← و، ف، ال، قَدْ

حروف عامل: عامل یعنی عمل کننده، لذا این حروف در اسم یا فعل بعد از خود تاثیر گذاشته و حرکت آخر آنها را تغییر می‌دهند.

(۱) حروف جاز (جر): فی - عن - إلى - لِ - بِ - ك - مِنْ - عَلَى

(۲) حروف ناصبه: أَنْ - لَنْ - كِي - لِ - لِكِي - حَتَّى

(۳) حروف جازمه: لا نهی - لم - لام امر (لِ) - إِنْ ، مَنْ ، ما شرطیه

(۴) حروف مشبّهة بالفعل: إِنَّ - أَنْ - كَأَنَّ - لَكِنَّ - لَيْتَ - لَعَلَّ

(۵) " لا " نفی جنس

حروف عامل

عبارتند از